

روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی از دیدگاه شیخ بهایی، امام خمینی ره و شهید بهشتی

محمدعلی نظری سرمازه^{۱*}، مریم حیدری^۲

چکیده

یکی از اولویت‌ها در مدیریت کشورها، تنظیم روابط تجاری با کشورهای دیگر است؛ در شیوه مدیریت اسلامی این روابط، با حفظ اصولی از جمله اصل نفی سبیل، امری مشروع و مجاز هست. در این مقاله رابطه تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی از نگاه سه تن از اندیشمندان مسلمان؛ یعنی شیخ بهایی، امام خمینی و شهید بهشتی بررسی شده است؛ یافته‌های این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد، این مسئله مورد توجه فقها و حاکمان و اندیشمندان شیعه از جمله این سه اندیشمند بزرگ اسلامی بوده است. روابط تجاری با کشورهای اروپایی در زمان شاه‌عباس صفوی تا حد زیادی مورد تأیید شیخ بهائی بود؛ زیرا وی شیخ‌الاسلام دولت او بود و نظر وی را در مسائل خرد و کلان جویا می‌شد و از دیدگاه امام خمینی ره و آیت‌الله شهید بهشتی نیز این روابط با حفظ حقوق مسلمانان و با تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی امری مشروع و پذیرفته شده هست.

کلیدواژه‌ها: مسلمانان، کشورهای اروپایی، شیخ بهایی، امام خمینی ره، شهید بهشتی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه شهرکرد.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک دانشگاه آزاد اسلامی میمه.

* نویسنده مسئول: m60nazari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

مقدمه

امروزه که جهان با شتاب هر چه بیشتر به سمت جهانی شدن پیش می‌رود و روابط کشورها در اولویت مدیریت‌های کلان قرار گرفته است، تنظیم قوانین حاکم بر روابط کشورها ضروری به نظر می‌رسد. بدون شک کشورهای مسلمانان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و به همین دلیل نیز همانند سایر کشورها روابط خود را با دولت‌های مختلف تنظیم کرده‌اند. همه کشورها البته در تنظیم روابط خود با کشورهای دیگر در چارچوب‌های قانونی و اصول مسلم و قابل قبول خود، تصمیم‌گیری می‌کنند. کشورها و ملت‌های مسلمان علاوه بر اصول مسلم قانونی در این زمینه به اصول شرعی و اسلامی نیز به‌ویژه در روابط با بیگانگان، معتقد هستند و البته آن‌ها را در تنظیم روابط خود لحاظ می‌نمایند. اسلام بدین جهت که یک دین جهان‌شمول هست و به دلیل اصل خاتمیت، این دین پاسخگوی نیازهای بشر در طول تاریخ خواهد بود، مبانی ارتباط مسلمانان با دیگر ملیت‌ها را به‌خوبی بیان کرده و در متون فقهی اسلامی به‌خصوص آثار فقهی شیعه بازتاب یافته است که تبیین آن با توجه به شرایط جدید، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

شاید در گذشته قوانین حاکم بر روابط مسلمانان با بیگانگان در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه تجارت، مسئله عامه‌ی مسلمانان نبوده، اما امروزه این مسئله، مسئله‌ای فراگیر و تا حد زیادی مورد ابتلای همه مسلمانان است. البته باید توجه داشت در دوره‌های مختلفی که حاکمیت فقه شیعی در اداره حکومت مورد توجه بوده است، مسئله روابط مسلمانان با بیگانگان مورد توجه فقها و حاکمان و اندیشمندان شیعه قرار گرفته است؛ اما سؤال اصلی این است که نگاه اسلام به روابط بین‌الملل چیست؟ و دیدگاه شیخ بهایی، امام خمینی ره و آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی به‌عنوان سه تن از فقه‌های دارای مناصب حکومتی در رابطه با روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی چگونه بوده است؟

همان‌گونه که گفته شد، مسئله روابط مسلمانان با بیگانگان مورد توجه فقها و حاکمان و اندیشمندان شیعه قرار داشته است؛ به‌عنوان مثال در دوران حاکمیت دولت صفویه در گذشته و حاکمیت جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت‌فقیه در دوران معاصر یکی از مسائل مهم جامعه اسلامی بوده و هست و همواره مورد بحث اندیشمندان و فقها و صاحب‌نظران شیعه قرار گرفته است. در این نوشتار به دیدگاه سه تن از اندیشمندان و فقه‌های شیعه خواهیم پرداخت که علاوه بر دارا بودن مقام اجتهاد، دارای منصب حکومتی در دوره خود نیز بوده‌اند؛ بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی، معروف به شیخ بهایی (۱۰۳۰-۹۵۳ ه ق) که در حاکمیت زمان خود، نقش شیخ‌الاسلامی دولت صفویه را عهده‌دار بوده، سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸) معروف به امام خمینی ره که بنیان‌گذار حاکمیت جمهوری اسلامی و رهبر نظام بوده است و آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش) که نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم و تصویب قانون اساسی ایران در آغاز انقلاب اسلامی و دارای منصب‌های مختلف اجرایی بوده است.

گرچه به صورت پراکنده و در ضمن کتب مختلف دیدگاه‌های شیخ بهایی در خصوص روابط بین‌الملل بیان شده است اما نگارندگان به تحقیق مستقل و جداگانه‌ای که به این امر پرداخته باشد و به‌خصوص در مورد روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی نگاشته شده باشد، برخورد نکرده‌اند. در مورد دیدگاه امام خمینی و شهید بهشتی نیز پژوهش مستقل و محدود به این مسئله یافت نشد گرچه به‌طور مفصل دیدگاه این دو فقیه برجسته به‌صورت پراکنده در کتب مختلف و آثار ایشان، بازتاب یافته است.

مسئله روابط تجاری اسلام با بیگانگان و به‌طور خاص کشورهای اروپایی که مسئله اصلی این مقاله است، دو بخش دارد: روابط تجاری فردی و روابط تجاری دولتی؛ یعنی گاهی روابط تجاری انسان‌های مسلمان با اروپائیان مدنظر است و گاهی روابط تجاری دولت‌های مسلمان با دولت‌های اروپایی؛ در این مقاله آنچه به قلم می‌آید، بخش دوم است؛ یعنی روابط تجاری دولت‌های مسلمان با دولت‌های اروپایی آن‌هم از منظر و دیدگاه سه اندیشمند بزرگ اسلامی که اشاره گردید.

کشورهای اسلامی و اروپایی به علت قرار گرفتن در حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه استراتژیک هستند، اما جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین‌الملل و جایگاه کشورهای اسلامی از نظر راهبردی و قرارگیری عمده کشورهای اسلامی در مرکز ذخایر انرژی جهان، بحث ایجاد روابط تجاری متقابل را به وجود آورده است. به‌هرروی برای بررسی موضوع

مقاله ابتدا به روابط بین الملل از نگاه اسلام و دیدگاه سه اندیشمند فوق خواهیم پرداخت و سپس ضمن بیان مفهوم رابطه تجاری، دیدگاه ایشان را در رابطه با رابطه تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی بررسی خواهیم نمود.

اسلام و روابط بین الملل

از نگاه اسلام، ارتباط با دولت‌های غیرمسلمان امری مشروع و پذیرفته شده است؛ زیرا اسلام بر اجتماعی بودن انسان و نیز اصل فطرت تأکید دارد و واضح است که انسان به صورت فطری به زیست اجتماعی و زندگی در کنار هم‌نوعان خود نیازمند است؛ از طرفی اسلام داعیه جهانی دارد و برنامه خود را برای هدایت عموم ملت‌ها ارائه نموده است؛ این مهم در آیات فراوانی از قرآن کریم بازتاب یافته است؛

«وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً ونذیراً...» (سبأ/۲۸).

تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر بر همه مردم مژده دهنده و بیم دهنده.

«یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» (اعراف/۱۵۸).

ای مردم! من فرستاده خدا بر همه شمایم.

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً.» (انبیاء/۱۰۷).

بزرگ است و بزرگوار آن کس که این فرقان را بر بنده خود فرو فرستاد تا جهانیان را بیم دهنده‌ای باشد.

«ان هو الا ذکر للعالمین.» (ص/۷۸).

قرآن، جز اندرزی بر مردم جهان نیست.

«قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین.» (حج/۹۴).

بگو: ای مردم! من برای شما، بیم دهنده آشکارم.

این آیات شریف بخشی از آیاتی است که به روشنی نشان می‌دهد مخاطبان قرآن، بدون هیچ گونه قید و شرط و ویژگی زمانی، زبانی، مکانی، نژادی، فرهنگی و اعتقادی، همه مردم جهان هستند.

پرواضح است که این برنامه جهانشمول و این دین داعیه دار هدایت عموم ملت‌ها، بدون هرگونه رابطه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تجاری با ملت‌ها و پیروان ادیان دیگر به اهداف جهانی خود نخواهد رسید.

البته باید توجه داشت که این روابط، به پای‌بندی و حفظ اصول، ارزش‌ها و دستورات دینی که مورد توجه اسلام است، مشروط هست. یکی از این اصول، اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان (نفی سبیل) است که بر تمام اصول دیگر حاکمیت دارد. این اصل برگرفته از سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴)؛ و خداوند هرگز بر (زبان) مؤمنان برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است.

«سبیل» در لغت به معنای طریق و راه^۳ و کلمه «علی» به معنای قدرت بر تصرف یا به معنای ضرر است. با توجه به «لن» نافیه که دلالت بر نفی ابد می‌کند^۴ و نکره آمدن «سبیل» که نکره در سیاق نفی بوده و مفید عموم است،^۵ از این آیه استفاده می‌شود که خداوند متعال هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نگذاشته و باز نخواهد گذاشت.^۶ طبق این آیه شریفه تمام روابط باید بر اساس این اصل، برنامه‌ریزی و کنترل شود و ارتباط میان مسلمانان و کافران نباید به گونه‌ای باشد که ذلت جامعه اسلامی از آن استشمام شود؛ بنابراین، از هر نوع ارتباطی که جامعه اسلامی را به جامعه کفر وابسته کند باید دوری شود.

بر اساس همین اصل، امام خمینی (ره) معتقد است: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود ترک این روابط بر تمام مسلمانان واجب است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۲۵۲).

^۳ ر.ک: احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة / احمد بن محمد الفیومی، مصباح المنیر / راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن.

^۴ ر.ک: جامع المقدمات، محمد بن عبدالغنی اردبیلی، شرح النورج، ص ۵۸۱.

^۵ ر.ک: رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، (المنار)، ج ۵ ص ۴۶۶.

^۶ ر.ک: سید محمدکاظم مصطفوی، القواعد، ص ۲۹۹.

ایشان در تاریخ ۵۷/۸/۱۵ در نوفل لوشاتو، در مصاحبه با کانال ۲ تلویزیون آلمان در پاسخ خبرنگار که پرسیده بود: حضرت عالی پس از این که حکومت اسلامی در ایران به قدرت برسد، در برخورد با کشورهای بزرگ دنیا، چگونه خواهید بود. پاسخ می‌دهد: تمام کشورها، اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر کشورها و دولت‌ها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آن‌ها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم. (همان، ج ۳: ۳۱).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حاصل مدت‌ها تلاش عالمانه و دقیق عالمان، دانشوران و فرهیختگان آشنای به مبانی اسلامی و معیارهای فقهی و آگاه به اندیشه‌های سیاسی و حکومتی است، در باب مسئله روابط بین‌الملل اسلامی در اصل یک‌صد و پنجاه و دوم قانون اساسی آمده است:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

در اصل چهاردهم قانون اساسی نیز آمده است:

«به حکم آیه شریفه: (لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل، در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

به دلیل همین اصل نفی سلطه کفار بر مسلمانان است که شیخ بهایی در کتاب «جامع عباسی» فروختن قرآن به کافران (شیخ بهائی، ۱۳۶۱: ۴۷۲). و اجاره دادن مسلمان جهت خدمت به یهودی را حرام می‌داند (همان: ۵۴۱).

بنابراین، قاعده اولی در روابط بازرگانی مسلمانان با غیرمسلمانان با رعایت اصول ارزشی اسلام، جواز است؛ اما اینکه این قاعده نسبت به همه ملت‌ها و دولت‌ها و حتی کافران جریان دارد یا نسبت به برخی از آنان، امری است که به آن اشاره می‌کنیم: کافران از حیث نوع برخوردشان با مسلمانان دودسته‌اند: شماری از سر دشمنی، تجاوزگری و فساد انگیزی و اذیت و آزار مسلمانان را پیشه خودساخته‌اند و دسته دیگر کسانی هستند که خوی و خصلت تجاوزکارانه ندارند و تنها می‌خواهد در محدوده خویش به زندگی عادی ادامه دهند و هیچ کاری به دیگران ندارند. اسلام بین این دو گروه تفاوت در برخورد را سفارش می‌کند؛ و از دید اسلام، آنان اگر درصدد آشوب و خون‌ریزی و تجاوز نباشند و بخواهند زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، اسلام نیز نه‌تنها سر جنگ با آن‌ها را ندارد، بلکه به مسلمانان سفارش می‌کند که با آنان به نیکی رفتار کنند خداوند در این باره می‌فرماید: «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه/۸). خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و شما را از سرزمین تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

در این آیات افزون بر پذیرش اصل همزیستی، گونه‌ی معاشرت، نیز بازگو شده است و از مسلمانان خواسته شده که با نیکی و عدالت با کافرانی که زورگو نیستند، رفتار کنند و این معنی بیانگر آن است که اصل، داشتن رفت و آمد و معاشرت با کافران است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، مسلمانان می‌توانند بر اساس قراردادهای و توافق‌هایی، با کافران زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند، این قراردادهای سه صورت است:

الف- ذمه: قراردادی که میان دولت اسلامی و اهل کتاب: (مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) که علاقه دارند در حوزه حکومت اسلامی، زندگی کنند، بسته می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱: ۳۲۷).

ب- مهاده: قرارداد متراکه جنگ میان دولت اسلامی و کافران (علامه حلی، بی تا ج ۳۳۳: ۱).

ج- امان: قراردادی که میان گروهی از مسلمانان و افراد کافر بسته می‌شود (نجفی، پیشین: ۹۲). نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، این است که مهاده، یا معاهده میان دولت اسلامی و کافر است، در دنیای کنونی با پذیرفتن پیمانهای بین‌المللی، محقق است و شرط آن گرفتن خراج نیست. گرفتن خراج در گذشته، نشانه صلح و میثاق بود و گرنه موضوعیت ندارد. بر این اساس، در

نظام سیاسی کنونی جهان که پیمان‌های بین‌المللی را پذیرفته‌اند، نسبت به مسلمانان اهل حرب نامیده نمی‌شوند (زهیلی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۷).

اگر کافران، مشمول هیچ یک از قراردادهای سه‌گانه نشوند (حربی) نامیده می‌شوند. کافر حربی، در فقه اسلامی، خونش مباح است و اموالش محترم نیست، یا بر اموالش مالکیت ندارد. اما کافران غیرحربی، اصل اولی جایز بودن روابط تجاری و بازرگانی با آنان است.

دلیل ممنوع بودن روابط اقتصادی با کافران حربی، روایات فراوانی است که اموال آنان را بی ارزش دانسته‌اند و فقیهان نیز، بر اساس آن احادیث فتوا داده‌اند؛ و به دلیل رعایت اختصار به یک نمونه از عبارات فقها اشاره می‌کنیم؛ محقق در شرایع می‌نویسد: «اگر کافر حربی در (دار الحرب) مسلمان شود، جان و اموال منقول وی احترام پیدا می‌کنند» (علامه حلی، بی تا ج ۳۳۳: ۱). صاحب جواهر، پس از نقل عبارت شرایع، می‌نویسد: «خلافی در مسئله نیافتیم و فقیهان بسیاری هم بدان اعتراف کردند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۲).

این نشان می‌دهد که اموال کافر حربی، پیش از گرویدن وی به اسلام ارزشی ندارند. شیخ بهایی کسانی را که از پدر و مادر مسلمان کافر متولد شده باشند و مسلمان شوند و سپس از دین اسلام برگردند، در زمره جماعتی می‌داند که حاکم شرع وی را از تصرف در اموال او منع کرده است؛ شیخ بهائی در این بار می‌گوید: «ایشان از اموال خود ممنوعند تا آنکه مسلمان شوند» (شیخ بهائی، ۱۳۶۱: ۵۲۲).

همان‌گونه که گفته شد، اصل اولی جایز بودن روابط تجاری و بازرگانی با کفار غیر حربی است؛ اما چون موضوع بحث این مقاله روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی است، به همین جهت لازم است اشاره ای کوتاه به جمعیت کشورهای اروپایی و وضعیت مذهبی این کشورها نیز داشته باشیم.

کشورهای اروپایی و روابط تجاری با آنها

قاره اروپا، پس از اقیانوسیه، کوچک‌ترین قاره جهان است و به لحاظ جمعیت پس از آسیا و آفریقا، رتبه سوم را دارد. ۴۷ دولت در قاره اروپا جای گرفته‌اند. مساحت این قاره افزون بر ده میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از هفتصد میلیون تن است و ساکنان آن به حدود ۵۰ زبان سخن می‌گویند. مسیحیت دین رایج آن است و پیروان کلیسای کاتولیک دارای اکثریت هستند و پیروان کلیسای ارتدکس و پروتستان‌ها در رتبه‌های بعد جای دارند. شمار مسلمانان این قاره به بیش از پنجاه میلیون تن می‌رسد. افزون بر مسلمانان روسیه که بخش بزرگی از مسلمانان اروپا را تشکیل می‌دهند، مناطق مسلمان‌نشین مانند بالکان و کشورهای آلبانی و بوسنی و هرزگوین در اروپا قرار دارند. (مجموعه نویسندگان، ۱۴۱۹، ج ۳: ۳۴۱ و ۳۵۰).

گرچه در قاره اروپا جمعیت مسلمانان معتنا به است اما مسلماً بحث این مقاله روابط تجاری با مسلمانان این قاره نیست و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد بحث اصلی در اینجا، روابط مسلمانان با دولت‌های اروپایی است که علی‌رغم وجود جمعیت قابل‌ملاحظه مسلمان در این قاره اما هیچ دولت مسلمانی اداره حکومت را عهده‌دار نیست، بنابراین تمام دولت‌های اروپایی شامل بحث این پژوهش می‌شوند.

اگر به پیشینه روابط تجاری میان مسلمانان و اروپائیان توجه کنیم، این روابط عمدتاً از چند طریق انجام می‌گردید؛ یک گروه از مسلمانان که با اروپا روابط تجاری برقرار کردند مسلمانان اندلس بودند که پس از تصرف آن سرزمین در پای کوه‌های «پیرنه» متوقف گشته ولی برای امور تجاری از این سو به آنسوی آن رشته کوه عظیم، آمد و شد داشتند. ساکنان اندلس راه دیگری نیز برای تجارت در اختیار داشتند و آن راه دریای مدیترانه بود. آنان محصولات کشاورزی مانند پنبه، زعفران، کاغذ، پارچه حریر، غرناطه، پوست قرطبه و شمشیر ساخت طلیطله را به بنادر اروپا و آفریقا صادر می‌کردند و بنادر اسپانیا مثل قادش، مالقه و کارتاژ از مهمترین بنادر تجاری به شمار می‌آمدند. (بینش، ۱۴۱۹: ۱۰۴).

بنادر شرقی و غربی دریای مدیترانه مسیر دیگری بود که تجارت مسلمانان با اروپائیان از آن طریق انجام می‌گردید؛ سرزمین مصر در روزگار فاطمیان (۳۵۸ - ۵۶۷ ه ق) با بسیاری از ممالک اروپایی ارتباط تجاری داشت. بازرگانان شهر «المالی» ایتالیا از مصر پارچه حریر می‌خریدند، آنان برای تزیین قصرهایشان با کاشی، صنعتگران چیره‌دست مسلمانان را با خود می‌بردند. (همان).

در دوره حاکمیت دولت صفوی در ایران و حاکمیت دولت عثمانی در ترکیه و بخش زیادی از بلاد اسلامی، این روابط به اشکال مختلف با فراز و فرودهایی صورت می‌گرفته است و دولت‌های مسلمان با دولت‌های اروپایی روابط تجاری داشتند. باید توجه داشت که مقصود از روابط تجاری، دادوستدها و ارتباط‌های بازرگانی است از قبیل دادوستد، اجاره مشارکت، استقراض، مضاربه و... که در ادامه بحث، در این باره به دیدگاه شیخ بهائی و امام خمینی ره و شهید بهشتی می‌پردازیم.

شیخ بهایی

از این جهت که بخشی از این تحقیق به دیدگاه شیخ بهایی در مورد روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی می‌پردازد، وضع تجارت مسلمانان با اروپاییان در زمان شیخ بهایی می‌تواند تا حدود زیادی بیانگر دیدگاه شیخ نیز باشد؛ زیرا او شیخ‌الاسلام مقتدرترین دولت صفوی بود. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۹۵).

بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی، معروف به شیخ بهایی (۱۰۳۰-۹۵۳ ه ق) از عالمان بزرگ شیعی در سده دهم و یازدهم هجری است. وی از جمله نوادر روزگار است که در عرصه‌های گوناگون علمی، سیاسی و هنری شهرت جهانی دارد. در عرصه سیاست از فقهای بزرگ عصر صفوی است و سالیان متمادی عهده‌دار مهم‌ترین منصب سیاسی مذهبی شیخ‌الاسلام در دولت شاه‌عباس اول بوده است. شیخ بهایی پس از سال ۱۰۰۶ ق، شیخ‌الاسلام اصفهان شد. اصفهان، در سال ۱۰۰۶ ق، از سوی شاه‌عباس کبیر پایتخت ایران شد. با انتخاب اصفهان به پایتختی، مهاجرت علمای شیعه از سراسر جهان اسلام به این شهر رونق گرفت. مدت‌زمانی بعد، شیخ از مقام شیخ‌الاسلامی استعفا داد و از سال ۱۰۱۲ ق تا سال ۱۰۱۹ ق، به سفر رفت، سپس به اصفهان برگشت و تا آخر عمر در آن شهر ماند و به‌عنوان «شیخ‌الاسلام» ریاست علمای شیعه را بر عهده گرفت. (همان).

لقب شیخ‌الاسلام در ایران از قرن چهارم رایج بود، اما اولین بار که به معنای بالاترین مقام دینی پایتخت و شهرهای بزرگ به کار رفت، در دولت شیعی صفویه بود. شیخ‌الاسلام، معمولاً از سوی سلطان منصوب می‌شد. (دشتی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۲۱۴). این منصب علاوه بر ایران، در دولت عثمانی، هندوستان و چین نیز کاربرد داشته است. (رنجبر، ش ۱۵۸: ۵۹).

چنانکه در برخی منابع آمده، «جای شیخ‌الاسلام، در پایین مسند شاه و بعد از صدر بزرگ است» (دشتی، ۱۳۹۱، ج ۱۰: ۱۵۸). همین عبارت به‌روشنی حاکی از جایگاه مهم شیخ‌الاسلام در حکومت صفویه است. شیخ بهائی از معدود شیخ‌الاسلام‌هائی بود که منصب صدر و شیخ‌الاسلام در اختیار وی بوده است. (همان).

سید محسن امین در جلد دوم معادن الجواهر در مورد وضعیت زمانه شاه‌عباس کبیر می‌گوید: او در امور خرد و کلان نظر محقق سید میرداماد و شیخ بهاء‌الدین عاملی را جویا می‌شد. شیخ بهائی بسیاری از کتب خود، مانند «الجامع العباسی» و غیر آن را به نام او تألیف کرد. (شیخ بهائی، ۱۳۶۱: ۴۷۲). و در همین کتاب فروختن قرآن به کافران (همان: ۵۴۱). و اجاره دادن مسلمان جهت خدمت به یهودی (همان). را حرام می‌داند و شفعه را در جائی که مشتری مسلمان باشد و شریکی که می‌خواهد اخذ به شفعه کند یهود و یا مرتد باشد، منتفی می‌داند (همان: ۵۱۷)؛ اما معامله کردن با اهل کتاب مثل یهودی و نصاری و مجوس را مکروه دانسته است (همان: ۴۷۷).

آن‌گونه که نویسنده کتاب تشیع از پیدایش تا بالندگی بیان می‌کند، شاه‌عباس کبیر در برقراری روابط تجاری با کشورهای اروپایی فعال بود و این امر موجبات تبادل درست اطلاعات میان ایران و اروپا را فراهم آورد. شاه‌عباس کبیر در قبال غیرمسلمانان شیوه تسامح دینی را در پیش می‌گرفت. (مغنیه، ۱۳۹۲: ۴۲۰).

در هر صورت مسائل کلانی همچون روابط تجاری با کشورهای اروپایی در زمان شاه‌عباس اول با وجود منصب شیخ‌الاسلامی شیخ بهایی با هماهنگی و نظر ایشان صورت می‌گرفته است و مسلماً روابط تجاری با کشورهای اروپایی در آن دوره تا حد زیادی می‌تواند مورد تأیید شیخ بهائی بوده باشد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، شاه‌عباس صفوی در مسائل خرد و کلان نظر شیخ بهایی را هم جویا می‌شد و مسلماً یکی از مسائل کلان هر دولتی، روابط تجاری آن با کشورهای دیگر است و دولت صفویه نیز از این مطلب مستثنا نیست.

روابط تجاری بین ایران و برخی کشورهای اروپایی نظیر بریتانیا نخستین بار در زمان حکومت شاه‌طهماسب صفوی در ایران برقرار شد. در همان زمان بود که نخستین سفیر انگلیس، آنتونی جینکینسون رئیس شرکت «مسکوی» به ایران آمد. او از سوی

ملکه الیزابت اول مأموریت داشت که راه تجارت با ایران را بگشاید. سفیر زمانی به قزوین رسید که طهماسب با سلیمان بر سر استرداد بایزید مشغول چانه‌زنی بود و توجهی به مسائل تجاری نداشت. آنتونی در این سفر موفقیتی به دست نیاورد، اما توانست مقدمات سفر هیئت تجاری بعدی را فراهم آورد. در سفر بعدی، شرکت مسکوی موفق شد فرمانی از شاه طهماسب بگیرد که به موجب آن کارگزاران شرکت می‌توانستند بدون دادن عوارض، کالاهای خود را به ایران وارد و ابریشم خام را از آنجا صادر کنند، اما به دلیل رقابت شدید دلال‌های عثمانی، ارمنی و ونیزی، انگلیس در زمینه تجارت با ایران موفقیت چندانی به دست نیاورد. (طاهری، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۸).

اما ایران در زمان شاه‌عباس اول گام‌های بلندی به سوی عظمت و پیشرفت برداشت؛ روابط تجاری با اروپا گسترش یافت و بازرگانان و گردشگران به ایران آمد و شد می‌کردند. در این دوره روابط دوستانه با کشورهای اروپایی و هند استحکام یافت. (مغنیه، ۱۳۹۲: ۴۱۹).

در همین دوران است که روابط ایران با اروپا ریشه‌یابی می‌شود؛ زمانی که راه مشهور ابریشم از ایران می‌گذشت و هنوز پرتغالی‌ها «دماغه امید» در جنوب آفریقا را کشف نکرده بودند. در سال ۱۰۰۶ قمری برادران شرلی از جانب دربار انگلیس به ایران آمدند و مأموریت روبرت شرلی از طرف ایران در اروپا در سال ۱۰۱۶ قمری بر روابط تجاری انگلیس و ایران افزود. (طاهری، ۱۳۴۹، ج ۱: ۲۸).

شاه‌عباس نخستین هیئت دیپلماتیک ایران را به دربار تزار فرستاد. تزار استقرار دائمی سفیر را در دربارهای دو کشور خواستار شد و از دولت ایران خواست که یک اتحاد سه‌جانبه میان ایران، روسیه و آلمان امضا شود، زیرا رودلف دوم، امپراتور آلمان، نیز از تهدیدهای عثمانی شدیداً نگران بود. در همین زمان نخستین هیئت دیپلماتیک ایرانی عازم آلمان شد. (آدام، ۱۳۶۹: ۸). این هیئت تحت رهبری حسین علی‌بیک در سال ۱۰۰۷ ق به دربار رودلف رفت. (ترکمان، ۱۳۶۴، ج ۲: ۸۳۶).

این روابط که چند نمونه از روابط تجاری مسلمانان در ایران با کشورهای اروپایی است، در دولت صفویه‌ای صورت گرفته است که در مقطع مهمی از آن، شیخ بهایی شیخ‌الاسلام این دولت بوده است و مسلماً این امور با اطلاع شیخ‌الاسلام که جایگاه مهمی در حکومت صفویه به شمار می‌رفت، صورت می‌گرفت و همان‌گونه که اشاره کردیم، شیخ بهائی از معدود شیخ‌الاسلام‌هائی بود که منصب صدر و شیخ‌الاسلام در اختیار وی بوده است و از این جهت نیز جایگاه ممتازی داشت.

امام خمینی ره

سید روح‌الله موسوی خمینی نخستین رهبر و ولی‌فقیه ایران و از مراجع تقلید شیعه بود که انقلاب ۱۳۵۷ را رهبری و در پی آن، جمهوری اسلامی را از راه همه‌پرسی بنیان گذاشت و تا پایان عمر آن را رهبری کرد. اندیشه سیاسی امام خمینی ره به‌عنوان بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی است و همان‌گونه که اشاره کردیم ارتباط با دولت‌های غیرمسلمان از نگاه اسلام، امری مشروع و پذیرفته شده است؛ زیرا اسلام داعیه جهانی دارد و ارائه برنامه‌ای برای هدایت عموم ملت‌ها را با تأکید بر اصل اجتماعی بودن انسان و نیز اصل فطرت و عدم استیلاي غیرمسلمانان بر مسلمانان و حفظ استقلال مسلمان و عدالت و حفظ کرامت انسان‌ها در ضمن آیات و روایات زیادی که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم، اعلام داشته است.

امام خمینی از همان ابتدای نهضت اسلامی در ایران بر اصول اسلام تأکید داشته است و نظام سیاسی در ایران را مشخصاً اسلامی می‌داند؛ وی می‌گوید: «من امیدوارم که این نهضت اسلامی ایران که مشخصاً اسلامی است و برای تحقق اهداف اسلام است که آن اهداف انسانی کامل است پیروز شویم و آنچه آمال ما بوده است که اسلام و احکام آن – که ضامن استقلال و آزادی مسلمین است – اجرا شوند». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹: ۱۲۱).

بر اساس همین اصول است که امام خمینی ره رابطه با کشورهای مختلف به‌جز موارد استثناء را موافق عقل و شرع می‌داند و نداشتن رابطه با کشورهای دیگر از نگاه او به معنای انزوا و عدم امکان ادامه حیات یک حکومت است؛ ایشان در نوفل‌لوشاتو در مصاحبه با کانال ۲ تلویزیون آلمان در پاسخ خبرنگاری که از برخورد دولت اسلامی با کشورهای دیگر پرسیده بود، بیان داشته: «نمی‌توانیم بنشینیم، بگوییم که: با دولت‌ها چه کار داریم. این، برخلاف عقل و برخلاف شرع است و ما باید با همه رابطه داشته

باشیم. تنها چندتا استثناء می‌شود که الان با آنها رابطه نداریم؛ اما این، معنایش این نیست که با هیچ دولتی نباید رابطه داشته باشیم، هیچ عقل و هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد؛ چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است تا آخر؛ و ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم». (همان: ۲۴۲).

آنچه برای امام مهم است، حفظ استقلال است، ایشان ترقی و پیشرفت را بر پایه‌های ملی و مذهبی دنبال می‌کند؛ امام در تاریخ چهارم آبان سال ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبرنگار رویترز در پاسخ به این سؤال که چگونه باید روابط میان ایران و غرب تنظیم بشود؟ می‌گوید: «ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد». (همان، ج ۴: ۱۶۸).

یا در جای دیگری می‌گویند: «روابط ما با خارجی‌ها بر اساس اصل احترام متقابل خواهد بود در این رابطه، نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد». (همان: ۲۴۸).

امام تفکر قطع ارتباط با کشورهای دیگر به بهانه ظالم بودن آنها و به همین دلیل قطع ارتباط با دولت‌ها و لزوم تکیه بر ارتباط با ملت‌ها را خطرناک و یک شیطنت و نقشه‌ای از سوی آمریکا و ابرقدرت‌ها می‌داند و تصریح می‌دارد: «حالا به دنبال این مطلب افتادند (ابرقدرت‌ها و آمریکا) که ما چه کار داریم به دولت‌ها، این‌ها همه ظالم و غذا هستند و ما باید با ملت‌ها رابطه داشته باشیم که این هم نقشه تازه و مسئله بسیار خطرناک و شیطنت دقیقی است». (همان، ج ۴: ۱۹۰).

امام خمینی نه تنها مخالف ایجاد روابط با کشورهای دیگر نیست، بلکه به تحکیم روابط با کشورهای دیگر نیز توصیه می‌کند و نشر معارف انقلاب اسلامی و ارشاد دولت‌ها و ملت‌ها را درگرو تحکیم روابط می‌داند؛ و به این موضوع تصریح می‌کند: «ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم. آنها را که می‌توانیم ارشاد کنیم، با همین روابط ارشاد کنیم و از آن‌هایی که نمی‌توانیم ارشاد کنیم، سیلی نخوریم؛ بنابراین، من به شما سفارش می‌کنم که: در هر کجا و در هر کشوری که هستید، رابطه‌تان را محکم کنید و رفت‌وآمد داشته باشید». (همان).

امام خمینی در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، با اشاره به سخنان عده‌ای که می‌گفتند اکنون حکومت اسلامی برقرار شده است و رابطه با سرزمین‌ها و کشورهای کفر و دولت‌های غیر اسلامی، ضرورتی ندارد، می‌گفت: «این معنی که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند که ما نباید روابط داشته باشیم، از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد. در زمان صدر اسلام که خود رسول الله سفير می‌فرستادند به اطراف این حرف را نمی‌زدند. در هر صورت ما باید روابط داشته باشیم، آنها که غرض ندارند ما هم با آنها غرض نداریم. کم‌کم باید روابط حسنه بشود. من امیدوارم این عمل را انجام دهید و دولت هم موفق باشد، منتها نباید تحت سلطه خارجی باشیم. نباید آنها در امور ما دخالت بکنند و به ما خط بدهند». (همان، ج ۴: ۱۹۰).

شهید بهشتی

سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ش) مشهور به شهید بهشتی و آیت‌الله بهشتی از روحانیون مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود. بهشتی در حوزه علمیه قم شاگرد علمایی مانند آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبائی بود. وی از معدود روحانیان تحصیل کرده دانشگاهی و آشنا به زبان‌های انگلیسی و آلمانی بود. (رازی، ۱۳۶۱، دفتر اول: ۳۷).

آیت‌الله بهشتی از مخالفان نظام سلطنتی پهلوی حاکم بر ایران بود و علیه آن مبارزه سیاسی می‌کرد به همین دلیل مدتی از ایران خارج شد و در این مدت در مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان فعالیت می‌کرد. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و بر فعالیت‌های فرهنگی از جمله تدوین کتب درسی دانش‌آموزان متمرکز شد. (همان، دفتر دوم: ۷۹۰-۷۹۱ و دفتر اول: ۴۳). در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب او را به‌عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب انتخاب کرد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۱: ۲۷۹). و بعد از پیروزی نیز از مؤثرترین افراد در تنظیم قانون اساسی بود و به‌عنوان نخستین رئیس دیوان عالی کشور که در جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را آغاز کرد. بهشتی در مسائل مختلف دینی صاحب‌نظر بود و گاه مواضعی متفاوت از سایر روحانیان داشت، ایشان در دوران نسبتاً کوتاه میان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان شهادت، با اندیشه و تلاش بی‌وقفه در صدد تنظیم و

تدوین پشتوانه‌های نظری و قانونی برای نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تشکیل و تأسیس ارکان اصلی حکومت اسلامی بود. او در سخنرانی‌ها و مصاحبه با رادیو و تلویزیون و خبرگزاری‌های مختلف به تبیین مبانی نظری قانون اساسی می‌پرداخت که آن مجموعه در قالب کتابی با همین عنوان «مبانی نظری قانون اساسی» توسط بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی به چاپ رسید؛ بنابراین می‌باید او را از معروف‌ترین چهره‌های معتقد و مدافع اندیشه‌های امام خمینی دانست.

ایشان تطبیق نوع حکومت و نظام سیاسی با مبانی اسلام را ضروری دانسته و برای این نظام به دو اصل قائل بود؛ یکی اصل جمهوریت که در این رابطه می‌گوید: «از میان این چند نوع (حکومت) که بیان کردیم، نوع جمهوری و حکومت جمهوری با مبانی اسلام در زمینه زمامداری سازگارتر است». (رازی، ۱۳۶۱، دفتر اول: ۱۵) و دیگری اصل تعهد نسبت به تعالیم اسلامی است و اینکه حکومت بر اساس رأی مردم لزوماً جمهوری اسلامی تلقی نمی‌شود و تشکیل حکومت بر اساس رأی آزاد مردم شرط لازم است و نه شرط کافی. «یک شرط دوم هم دارد و آن این است که وقتی اکثریت مردم یک کشور مسلمان‌اند، این مسلمان‌ها اگر فردی یا گروهی را با رأی آزاد برای زمام داری انتخاب کردند، این نظام، این رژیم خودش را در اداره مملکت نسبت به مقررات و تعالیم اسلامی متعهد و ماتزم بداند. متعهد باشد که جامعه و امور کشور را بر مبنای تعالیم سعادت‌بخش اسلام اداره کند». (همان: ۲۰).

از دیدگاه آیت‌الله بهشتی، تحقق اسلام در جامعه درگرو تحقق مفاهیم بنیادینی از قبیل استقلال، عدالت، آزادی و مشارکت مردم در امور سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی است. داشتن چنین بینشی سبب شده بود تا بر قطع تسلط بیگانگان از کشور و لزوم استقرار و استقلال قوه قضاییه و تعدیل ثروت در جامعه از طریق گسترش مالکیت‌های تعاونی و تقویت شرکت‌های تعاونی و اهمیت فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب و همفکری در قالب شوراها تأکید بلیغ داشته باشد (آقاجانی، ۱۳۷۷: ۶۹-۲۲۳).

بر اساس همین اندیشه‌ها، تنظیم روابط بین‌الملل از منظر او بر اساس رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی هست؛ همان‌گونه که اشاره کردیم یکی از مهمترین این اصول، استقلال و عدم تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان در کلیه امور مسلمین به‌ویژه در روابط اقتصادی است. شهید بهشتی با اشاره به همین اصل، ارتباط سیاسی و اقتصادی را متوقف بر احترام به استقلال کشور مسلمان می‌داند؛ ایشان در دهم فروردین ۱۳۵۹ و در واکنش به قطع رابطه ایران با آمریکا می‌گوید: «اسنادی وجود دارد که دانشجویان از سفارت آمریکا در تهران افشا کرده‌اند. می‌توان از این‌ها دریافت که دولت آمریکا به استقلال ما احترام نگذاشته. زمانی که ما می‌بینیم یک ابرقدرت در جهان، استقلال ما را محترم نمی‌شمرد، ما به ارتباط سیاسی و اقتصادی با آن احتیاجی نداریم. آمریکا باید آگاه باشد که مردم ما چنین سیاستی را از جانب آن کشور در ایران تحمل نخواهند کرد».^۷

این نوع نگاه؛ یعنی نگاه تعامل با تکیه بر اصل استقلال و نفی سلطه در روابط تجاری با کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی، امری است که وی در تبیین مبانی نظری قانون اساسی بر آن تأکید فراوان داشته است. به گفته ایشان: «در نظام آینده باید هرگونه سلطه‌جویی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی از بین برود. در عین آنکه این نظام اصیل اسلامی است و بیگانه‌گرا نیست، نه شرقی است، نه غربی است، جمهوری اسلامی است، اما در عین حال با دستاوردهای علم و دانش و فن و صنعت قهر نکرده است و نمی‌گوید من با صنعت کاری ندارم صنعت از اروپا آمده، از روسیه آمده از چین آمده است، از آمریکا آمده است» (شهید بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۸).

آیت‌الله بهشتی شاگرد امام خمینی است و دیدگاه‌های سیاسی او متأثر از دیدگاه‌های امام خمینی است؛ بنابراین در بحث روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی بر همان اصولی تأکید دارد که مورد تأکید امام خمینی بوده است. شهید بهشتی این اصول را با استدلال‌های محکم و متقن در مناسبت‌های مختلف و در آثار خود، تبیین نموده است.

نتیجه‌گیری

در شیوه مدیریت اسلامی، روابط تجاری با دیگر کشورها با حفظ استقلال مسلمانان و عدم تسلط بیگانگان و دولت‌های غیرمسلمان امری مشروع و پذیرفته شده تلقی می‌شود.

⁷ <https://www.irdc.ir/fa/news/6792>

یکی از طرف‌های روابط تجاری با مسلمانان، کشورهای اروپایی هستند. جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین‌الملل و جایگاه کشورهای اسلامی از نظر راهبردی و قرارگیری عمده کشورهای اسلامی در مرکز ذخایر انرژی جهان، بحث ایجاد روابط تجاری متقابل را به وجود آورده است.

اگر به پیشینه روابط تجاری میان مسلمانان و اروپائیان توجه کنیم، این روابط توسط مسلمانان آندلس از طریق دریای مدیترانه و بنادر شرقی و غربی آن، مصر در روزگار فاطمیان، ایران در زمان صفویان و عثمانی‌ها در زمان دولت عثمانی صورت می‌گرفت و پس‌از آن نیز کلیه مسلمانان در سراسر عالم با کشورهای این قاره روابط تجاری داشتند.

روابط مسلمانان با کشورهای اروپایی، مورد توجه فقها و حاکمان و اندیشمندان شیعه قرار داشته است. از جمله فقها و اندیشمندان مسلمانی که به لحاظ داشتن منصب دینی و حکومتی در جامعه اسلامی، به این مسئله توجه داشته‌اند، شیخ بهایی، امام خمینی (ره) و آیت‌الله شهید بهشتی هستند.

مسائل کلانی همچون روابط تجاری با کشورهای اروپایی در زمان شاه‌عباس اول با وجود منصب شیخ‌الاسلامی شیخ بهایی با هماهنگی و نظر ایشان صورت می‌گرفته است و مسلماً روابط تجاری با کشورهای اروپایی در آن دوره تا حد زیادی می‌تواند مورد تأیید شیخ بهائی بوده باشد؛ زیرا شاه‌عباس صفوی در مسائل خرد و کلان نظر شیخ بهایی را جویا می‌شد و مسلماً یکی از مسائل کلان هر دولتی، روابط تجاری آن با کشورهای دیگر است.

امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران، حکومتی را بنیان‌گذاری کرد که مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی است و همان‌گونه که اشاره کردیم ارتباط با دولت‌های غیرمسلمان از نگاه اسلام، امری مشروع و پذیرفته شده است؛ بنابراین امام خمینی از همان ابتدای نهضت اسلامی در ایران بر اصول اسلام تأکید داشته است. بر اساس همین اصول است که امام خمینی (ره) رابطه با کشورهای مختلف به‌جز موارد استثناء را موافق عقل و شرع می‌داند و نداشتن رابطه با کشورهای دیگر از نگاه او به معنای انزوا و عدم امکان ادامه حیات یک حکومت است.

آیت‌الله شهید بهشتی شاگرد امام خمینی است و دیدگاه‌های سیاسی او متأثر از دیدگاه‌های امام خمینی است؛ بنابراین در بحث روابط تجاری مسلمانان با کشورهای اروپایی بر همان اصولی تأکید دارد که مورد تأکید امام خمینی بوده است؛ یعنی تعامل و لزوم برقراری روابط تجاری با کشورهای اروپایی با تأکید بر اصل استقلال و احترام متقابل و عدم استیلای کشورهای بیگانه بر مسلمانان. ایشان در دوران نسبتاً کوتاه میان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان شهادت، با اندیشه و تلاش بی‌وقفه درصدد تنظیم و تدوین پشتوانه‌های نظری و قانونی برای نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تشکیل و تأسیس ارکان اصلی حکومت اسلامی بود؛ بنابراین می‌باید او را از معروف‌ترین چهره‌های معتقد و مدافع اندیشه‌های امام خمینی دانست.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ ق)، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت: دارالفکر.
- اردبیلی، محمدبن عبدالغنی (۱۳۷۲)، **شرح النموذج ضمن جامع المقدمات**، قم: اسلامیه.
- امام خمینی (۱۳۶۱)، **صحیفه نور**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آدام اولتاریوس (۱۳۶۹)، **سفرنامه**، ترجمه: حسین کردبچه، تهران: نشر کتاب.
- آقاجانی، عباس (۱۳۷۷)، **بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی**، تهران: بقعه.
- بینش، عبدالحسین (۱۳۸۷)، **آشنائی با تاریخ تمدن اسلامی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.
- ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۶۴)، **تاریخ عالم آرا عباسی**، بی‌جا، ج ۲، طوع.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۷۹)، **گلشن ابرار**، ج ۱، تهران: نشر معروف.
- دشتی، مهدی (۱۳۹۱)، **دایرةالمعارف جهان نوین اسلام**، ج ۳، تهران: کتاب مرجع.
- رازی، شریف (۱۳۶۱)، **راست‌قامتان جاودانه تاریخ اسلام**، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید.

- راغب اصفهانی (۱۴۰۴ ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، بی‌جا: نشر کتاب.
- رشید رضا (۱۳۶۸ ق)، **تفسیر القرآن الحکیم**، (المنار)، ج ۵، قاهره: المنار.
- رنجبر، محمدعلی، **شیخ‌الاسلام و تکامل جامعه اسلامی**، شماره ۵۹، ماهنامه کیهان اندیشه.
- زحیلی وهبی (۱۴۱۹ ق)، **آثار الحرب فی الفقه الاسلامی**، دمشق: دارالفکر.
- شهید بهشتی (۱۳۹۰)، **مبانی نظری قانون اساسی**، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی.
- شیخ بهائی (۱۴۲۹ ق)، **جامع عباسی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدر، احمد (۱۳۸۵)، **دایرة‌المعارف تشیع**، ج ۱۰، تهران: محبی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۹)، **تاریخ سیاسی اجتماعی ایران**، تهران: کتابهای جیبی.
- علامه حلی (بی‌تا)، **شرایع الاسلام**، تهران: ج ۱، منشورات الاعلمی.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ ق)، **المصباح المنیر**، قم: مؤسسه دارالهجره.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵ ق)، **جغرافیای جهان اسلام**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجموعه نویسندگان (۱۴۱۹ ق)، **الموسوعة العربیة العالمیة**، ریاض: مؤسسه اعمال الموسوعة للنشر.
- مدنی جلال‌الدین (۱۳۸۷)، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ ق)، **القواعد**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۹۲)، **تشیع از پیدایش تا بالندگی**، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام**، ج ۲۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی: <https://www.irdc.ir/fa/news/6792>

